

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۱۴ آذر ۱۴۰۲

موضوع جزئی: آیه ۵۴ - مفردات - ۳. «فتوبوا» - ۴. «فاقتلوا» - ۵. «فتاب» -

مصادف با: ۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۵

بخش‌های آیه - بخش اول

جلسه: ۱۶

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

خلاصه جلسه گذشته

از مفردات آیه، سه واژه باقی مانده که ان شاء الله این را هم ذکر کنیم و وارد در تفسیر شویم. دو واژه را گفتیم، یکی «قوم» و دیگری «بارئ».

۳. «فتوبوا»

«فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ»؛ عمده این است که «ف» در «فتوبوا» به چه معناست؛ ظاهر این است که این فاء سببیت است؛ چون قبلش فرمود «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ»؛ كَأَن مَّقْبَلِ از «فاء» سبب برای مابعد است. چرا امر به توبه می‌کند و بازگشت به سوی پروردگار؟ برای ظلم به خویشتن، «انکم ظلمتم انفسکم» شما به خودتان ظلم کردید؛ حالا ظلم به خودتان هم به این بود که گوساله را به عنوان معبود و اله قرار دادید. چون این چنین بود، پس بر شماست و این سبب است برای توبه کردن؛ شما باید توبه کنید. علت توبه و بازگشت شما به سوی خداوند، ظلم شما به خودتان است.

اینکه این را ذکر کردیم، برای این است که سه بار در این آیه «ف» ذکر شده و این سه با هم متفاوت است. این فاء سببیت است.

۴. «فاقتلوا»

در ادامه «فاقتلوا انفسکم» آمده است؛ «فاقتلوا» را بعدا معنا می‌کنیم، اینکه خودتان را بکشید به چه معناست، همدیگر را اعدام کنید، این باید توضیح داده شود. اما «ف» در فاقتلوا دیگر به معنای سببیت نیست، بلکه اینجا تعقیب است یا ترتیب. یعنی در ادامه توبه به سوی خداوند تبارک و تعالی، خودتان را بکشید؛ یعنی اول توبه و بعد اقتلوا انفسکم. این به دنبال آن است، این فاء ترتیب است. اینکه چطور اول توبه کنند و بعد یکدیگر را بکشند، دلیلش چه بوده، این را بیان خواهیم کرد. پس «ف» در اینجا فاء ترتیب است.

۵. «فتاب»

واژه دیگر، «فتاب علیکم» است؛ پس خداوند تبارک و تعالی به سوی شما باز خواهد گشت؛ تاب یعنی تاب خداوند. «ف» در اینجا فاء تفریع است، یعنی توبه خداوند به سوی شما متفرع بر توبه و اعدام شماست و سبب آن، ظلم شما به خودتان است. در یک نظم منطقی، این فقرات به هم اتصال پیدا کرده است. «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ» متعلقش در تقدیر است، و اذکروا اذ قال موسی، مثل تمام مواردی که «و اذ» در آن آمده قبل از این، «يَا قَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ

بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ» اول بیان می‌کند آن رفتار ظالمانه آنها را نسبت به خودشان، به اینکه به شرک روی آوردند؛ و این سبب حکم به اعدام و قتل یکدیگر و نیز توبه شده است. این سبب امر به توبه شده است؛ به دنبال این، یعنی اول امر به توبه و سپس اعدام، یعنی دو کار باید انجام شود. بعد در پایان هم متفرع می‌کند توبه خداوند را و بازگشت خداوند به اینها را به این اموری که قبل از این ذکر شده، توبه، قتل و اعدام یکدیگر، آنگاه خداوند به سوی شما باز خواهد گشت و توبه شما را خواهد پذیرفت، «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

این تقریباً توضیحی بود از الفاظی که در این آیه باید توضیح داده می‌شد.

بخش‌های آیه

اما در مقام تفسیر این آیه طبیعتاً مثل آنچه که در آیات قبل گفتیم، چند بخش در این آیه وجود دارد که باید به آن پردازیم.

موسی (ع) چند مطلب را فرموده است. یکی اینکه «يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ»؛ دوم: «فَتُوبُوا إِلَيَّ يَا قَوْمِ»؛ سوم: «فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»؛ چهارم: «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ»؛ پنجم: «فَتَابَ عَلَيْكُمْ»؛ ششم: «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

آنچه موسی به قومش فرمود، متضمن این شش مطلب است. این مطالب البته بعضی به هم پیوستگی دارد، لکن اگر بخواهیم اینها را در بخش‌های مرتبط با هم ذکر کنیم، باید بگوییم مجموعاً این آیه چهار بخش دارد:

بخش اول: یکی آن سببی که برای امر به توبه ذکر شد، «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ»، این می‌شود بخش اول.

بخش دوم: «فَتُوبُوا إِلَيَّ يَا قَوْمِ»؛ ولی «فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» هم می‌تواند در ضمن بخش دوم ذکر شود و می‌تواند یک بخش مستقل قلمداد شود، اما چون هر دو به یک مسأله مربوط است، اینها را در یک بخش قرار می‌دهیم.

بخش سوم: «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ».

بخش چهارم: «فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

پس به طور کلی آیه ۵۴ را در ضمن چهار بخش ان شاء الله توضیح خواهیم داد.

بخش اول

این قسمت اول بحثی ندارد؛ همانطور که در مورد ارتباط این آیه با آیات قبل عرض کردیم، این در حقیقت در مقام یادآوری نعمت‌هایی است که خداوند تبارک و تعالی به آنها ارزانی داشت، لذا به این نعمت هم اشاره می‌کند. قبلاً یک بار به صورت کلی اشاره به نعمت‌های خداوند به بنی اسرائیل کرد که من نعمتی به شما دادم «فَضَلْتُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ».

بعد به تفصیل شروع به ذکر برخی از این نعمت‌ها کرد. نجات موسی و پیروانش از آل فرعون، کتاب و الواح و تورات، اینها ذکر شد؛ این هم یکی از آنهاست که در ضمن آیه قبل هم بالاشاره این را فرمود. آیه ۵۲ این بود: «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ»، آنجا اشاره کرد به اینکه ما بعد از آن کاری که شما کردید، ما شما را عفو کردیم. اینجا در واقع به مراحل و کیفیت عفو دارد اشاره می‌کند؛ ضمن اینکه به اصل انحراف و ظلم و شرک آنها هم اشاره می‌کند. «وَإِذْ وَاَعَدْنَا

مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ * ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، در آیه ۵۲ و ۵۳ بعد از اشاره به اخذ الواح توسط حضرت موسی بعد از آن مهمانی چهل شبه حضرت موسی نزد خداوند، به مسأله ظلم و قرار دادن عجل به عنوان گوساله اشاره کرد و بعد عفو.

اینجا تقریباً کآن دارد جزئیات عفو و کیفیت بخشیده شدن خداوند را بیان می‌کند. پس این کلیت این آیه است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ»، در بخش اول به صورت کلی اشاره به همان «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» است که در آیه ۵۱ ذکر کرده‌اند. و نیز «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ» که وجه ظلم آنها هم این بوده که عجل و گوساله را به عنوان اله قرار دادند. بخش اول در واقع یک مقدمه‌چینی است برای بخش دوم و سوم و چهارم؛ جنبه مقدمیت دارد. لحن حضرت موسی هم در این آیه یک لحن مهربانانه است؛ می‌گوید «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ»، اینجا دیگر نمی‌گوید لبنی اسرائیل؛ اینجا کآن این جماعت یک علقه‌ای با حضرت موسی پیدا کرده‌اند؛ بعد می‌گوید «یا قوم»، در حقیقت «یا قومی» بوده که «ی» متکلم در اینجا حذف شده است؛ خداوند می‌فرماید که حضرت موسی خطاب به قومش گفت ای قوم من؛ اینجا یک اضافه‌ای پیدا کردند آن جماعت به حضرت موسی. دیگر نگفت و إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ، چون در ابتدای آیه ۴۰ فرمود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ»، شروعش با یا بنی اسرائیل بود و بعد هم آنها را مخاطب قرار داد؛ اینجا درست است در مقام نقل قول است، دارد می‌گوید موسی به قومش این چنین گفت، اما می‌توانست بگوید «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِنكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ» اما می‌گوید «لِقَوْمِهِ» یک اضافه‌ای برای قوم نسبت به حضرت موسی ایجاد می‌کند و هم «یا قومی» این را منسوب به خودش می‌کند، می‌گوید کآن اینها امت موسی شدند، مردمی شدند که باید حضرت موسی آنها را راهبری کند. تعبیر ضمن اینکه انتساب قوم به موسی را می‌رساند، همراه با یک عطوفت و مهربانی هم هست؛ می‌گوید یا قوم ای یا قومی به معنای قوم من. مثل اینکه کسی می‌گوید ای فرزندان من، ای خواهران من، برادران من، این انتساب به نوعی همراه با یک عطوفت و مهربانی است. اینجا حضرت موسی باز با عطوفت و مهربانی با این جماعت برخورد کرده است. فرمود «انکم ظلمتم انفسکم»، ای قوم من، خودتان به خودتان ظلم کردید؛ یعنی با اینکه ظلم به حضرت موسی بود، ظلم به خداوند هم بود. شرک بزرگترین ظلم به خداوند است؛ ظلم به حضرت موسی هم بود، برای اینکه حضرت موسی برای آنها پدری کرده بود و آنها را از چه مصائب و مشکلاتی نجات داده بود؛ اینجا وقتی نافرمانی کردند و منحرف شدند، این در حقیقت یعنی زحمات حضرت موسی را نادیده گرفتند، ظلم به حضرت موسی هم بود؛ اما اینجا حضرت موسی می‌فرماید «انکم ظلمتم انفسکم»، کآن ظلم به خدا و ظلم به من، هیچ؛ شما به خودتان ظلم کردید. چه کردید؟ گوساله را معبود و اله قرار دادید، باتخاذکم العجل اله او معبوداً، چنانچه قبلاً هم گفتیم.

«والحمد لله رب العالمين»